

## عدالت انتقالی چیست؟

عدالت انتقالی پاسخی است به موارد نقض حقوق بشر که به طور سازمان یافته و گسترده انجام می شود. عدالت برای هم دردی با قربانی ها و برای تقویت زمینه های صلح، مصالحه و دموکراسی می باشد. عدالت انتقالی یک شکل ویژه ای از عدالت نیست، بلکه عدالتی است برای جوامعی که می خواهند از یک مرحله تخطی های حقوق بشری عبور کنند. در بعضی موارد، این مرحله انتقال به طور ناگهانی اتفاق می افتد و در بعضی موارد دیگر ممکن است چندین دهه را در بر گیرد.

### خاستگاه ها و تعاریف

راه های جلوگیری از پیامدهای زاینبار تخطی ها، تهیه می کنند.

● **برنامه های جبران خسارت.** برنامه های جبران خسارت معمولاً تحت حمایت دولت ها قرار دارند و کمک می کنند که زیان های مادی و روانی تخطی های گذشته را ترمیم و مرحم گذاری نمود. این برنامه ها عملاً سوده های مختلط مادی و نمادینی را برای قربانی ها به ارمغان می آورد. این سوده ها ممکن است شامل جبران خسارت های مالی و عذرخواهی های رسمی گردد.

● **عدالت جنسیتی:** عدالت جنسیتی به این معناست که به تجاوزهای جنسی و خشونت های انجام شده علیه زنان پاسخ بگوید. این شیوه رسیدگی به جرایم نقض حقوق بشر، تلاش می کند که زمینه های برابر رسیدگی به تخطی های حقوق بشر بر اساس جنسیت را تسهیل کند و مطمئن شود که زنان مساویانه با مردان در فرایند التیام بخشی به موارد نقض حقوق بشری، دسترسی دارند.

● **اصلاحات نظام امنیتی.** تلاش هایی است برای تامین اصلاحات در نظام امنیتی. این برنامه می خواهد ارتش، پولیس، نهادهای قضایی و دیگر نهادهای دولتی مربوطه را از ابزار استبدادی، فساد و تخطی به ابزارهای خدمات و مصونیت عامه، تغییر دهد.

● **یادبود از قربانی ها و تخطی های حقوق بشری.** این یادبودها شامل موزیم ها و یادبودهایی می گردند که حافظه عمومی قربانی ها را حفظ می کنند و آگاهی تاریخی و روانی را در مورد تخطی های گذشته به ارمغان می آورند و بدین ترتیب سدهایی را در برابر تکرار شدن آن تخطی ها، ایجاد می کنند.

اگر چه موارد متذکره منظومه ای است که ساختار سازمانی را برای رسیدگی به جرایم ضدبشری (عدالت انتقالی) تشکیل می دهند، با این هم، این ها یک فهرست نهایی و کامل نیستند. جوامع زیادی که دچار تخطی های گسترده نقض حقوق بشری شده اند، توانسته اند که راه های خلاقانه دیگری را به منظور تأمین عدالت روی دست گیرند. و این دلیلی است مبنی بر این که چرا عدالت انتقالی تا این اندازه نیرومند و متنوع عرض وجود کرده است.

### یک نگاه اجمالی

معمولاً برخورد با جرایم گسترده حقوق بشری با مشکلات فراوان مواجه می شود. ممکن است که این روند تعادل سیاسی یک کشور را برهم بزند. در جای دیگر ممکن است یک حکومت اصلاً علاقمند به هیچ نوع اقداماتی در راستای تامین عدالت نباشد و حتی در مواردی ممکن است یک کشور قادر نباشد که از فرایند عدالت انتقالی حمایت کند، مگر این که ثبات خود را به خطر مواجه سازد.

مشکلاتی که از جرایم ضدبشری انجام شده در گذشته ناشی می شود، بسیار پیچیده است و بعید به نظر می رسد که با یک اقدام بتوان بر آن

عدالت انتقالی رهیافتی است که در اواخر سال ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ و عمدتاً در پاسخ به تغییرات سیاسی در آمریکای لاتین و شرق اروپا، به خاطر پیاده شدن عدالت در این مناطق، به وجود آمد. در آن زمان، فعالین حقوق بشر و دیگران، خواستند به تخطی های سازمان یافته که توسط رژیم های گذشته انجام شده است، بدون این که به گذار سیاسی که در جریان بود آسیبی برسد، بپردازند. از این که این تغییرات به عنوان "گذار به دموکراسی" شهرت یافت، مردم این بخش از "گذار سیاسی" که همانا پرداختن به تخطی های حقوق بشری گذشته بود را "عدالت انتقالی" نام گذاری کردند.

عدالت انتقالی به طور عموم به یک سلسله رهیافت هایی گفته می شود که ممکن است دولت ها برای پرداختن به تخطی های حقوق بشری گذشته که شامل عنصر قضایی و غیرقضایی می گردد، مورد استفاده قرار دهند. عدالت انتقالی شامل اعمال یا سیاست گذاری ها و نهادهای وابسته به آن سیاست گذاری ها می شود که این اعمال و سیاست گذاری ها ممکن است برای گذار از یک مرحله سیاسی خشونت بار و استبدادی، برای رسیدن به ثبات اجتماعی به تصویب رسیده باشد.

عدالت انتقالی برای یک جامعه ای کاربرد دارد که علاقمند است تا اعتماد اجتماعی را باز گرداند، نظام ورشکسته قضایی اش را بازسازی نماید و بنیادهای محکمی را برای یک نظام دموکراتیک حکومتی اساس گذاری نماید. ارزش محوری عدالت انتقالی، مفهوم و اندیشه عدالت است: عدالت انتقالی الزاماً به معنی تطبیق عدالت بالای مجرمین نیست، بلکه شامل اشکال دیگر عدالت نیز می شود. مفهوم عدالت انتقالی و گذار سیاسی همچون تغییر رژیم یا عبور از بحران، به خاطر این است که فرایند با ثبات سازی و دموکراتیزاسیون در جوامع بعد از بحران، مورد تقویت و حمایت قرار گیرد. دولت هایی که عدالت انتقالی را تأمین کرده اند، راه های متنوع و متعددی را تجربه کرده اند که اینک با هم مرور می کنیم:

● **پیگردهای جرمی.** منظور از پیگرد جرمی و یا قضایی، بررسی های قضایی کسانی است که مسئول نقض حقوق بشر هستند. پیگرد کننده ها اکثراً روی بررسی های به اصطلاح "ماهی بزرگ" تاکید دارند: یعنی اتهام بیشتر متوجه کسانی می باشد که مسئول جرایم سازمان یافته و دسته جمعی هستند.

● **کمیسیون های حقیقت یاب.** اهداف ابتدایی این کمیسیون های حقیقت یاب، بررسی و گزارش دهی دوره های مهم تخطی های حقوق بشری می باشد که در زمان نه چندان دور به وقوع پیوسته است. این کمیسیون ها اغلب تشکل های رسمی دولتی هستند که سفارش های لازم را در مورد تخطی های انجام شده و مرحم گذاشتن به آسیب های جنایت های گذشته و

مشکلات فایق آمد. معمولاً در یک نقض گسترده حقوق بشری، آسیب‌های روانی جدی و فراوانی برای تعدادی از مردم می‌رسد و این قربانیان خواهان رسیدگی به این تخطی‌ها هستند. اما از سوی دیگر، ناقضین حقوق بشر نیز دارای قدرت هستند و به زیر کشیدن آنها از قدرت، کار ساده‌ای نیست. لذا تنها اقدامات قضایی و محاکمه غیرمحمتمل و یا حداقل، ناکافی است. در صورتی که هزاران و یا صدها هزار قربانی و ناقض حقوق بشر وجود داشته باشد، چگونه می‌شود که با تمام آنها عادلانه برخورد گردد؟ به خصوص مشکل زمانی بیشتر احساس می‌شود که دادگاه رسیدگی کننده، ضعیف و یا آلوده به فساد باشد. بر فرض این‌که دادگاه قادر باشد که ناقضین حقوق بشر را مورد تعقیب قضایی قرار بدهد و آنها را در پای میز محاکمه بکشد، بازهم ضرورت دارد تا برای جامعه آسیب‌دیده اقدامات و ابتکارات دیگری نیز اتخاذ گردد.

بعد از دو دهه تمرین روی تأمین عدالت انتقالی، تجربیات نشان می‌دهد که عدالت انتقالی در صورتی بیشتر تأثیرگذار خواهد بود که بایستی اقدامات فراگیر و همه جانبه را برای تطبیق روند عدالت انتقالی مورد توجه قرار داد. تجربیات شاهد است که یک اقدام، هیچ‌گاه به تنهایی نمی‌تواند به اندازه اقدام‌های مکمل و همه جانبه که با هم ترکیب شوند، مؤثر باشد.

به عنوان مثال اگر برای اجرای عدالت انتقالی حقیقت‌یابی‌ها و کشف حقایق جنگی در گذشته و تشفی خاطر قربانیان صورت نگیرد، ولو تعدادی از ناقضان حقوق بشر مجازات گردد، احتمال می‌رود که به جای تأمین عدالت، انتقام‌گیری سیاسی تحقق یابد. اگر حقیقت‌یابی‌ها عاری از مجازات ناقضان حقوق بشر و ساختن مراکز اصلاحی باشد، در حد یک حرف باقی خواهد ماند. اگر تشفی خاطر قربانیان و جبران خسارت و تأدیه غرامت با تعقیب ناقضان حقوق بشر و حقیقت‌یابی‌ها همراه نباشد، ممکن است مورد سوءاستفاده‌ها قرار بگیرد. مثلاً، ممکن است در این گونه موارد از قربانیان جنگی خواسته شود که سکوت کنند و یا رضایت بدهند. به همین منوال، اگر اصلاحات اداری و نهادهای حکومتی نتواند برنامه‌هایی را روی دست بگیرند که انتظارات بر حق قربانیان جنگی را اعم از تأمین عدالت، حقیقت‌یابی‌ها و جبران خسارت و تأدیه غرامت، برآورده سازد، به احتمال زیاد کار موفقی صورت نخواهد گرفت.

از عدالت انتقالی این انتظار می‌رود که بتواند بنیان‌های تقویت دموکراسی و صلح را برای جوامعی که بعد از یک دوره نقض گسترده حقوق بشری خواهان صلح می‌باشد، به عنوان راه کار کلیدی طرح‌ریزی کند. بدیهی است که یکی از راه‌های بیرون رفت از مخمصه نگرانی، مشاوره خواستن و شریک ساختن قربانیان جنگی در روند نظردهی می‌باشد. گزینش قربانیان جنگی به حیث یک جامعه آماری، به احتمال زیاد در پروسه تأمین عدالت انتقالی مؤثر خواهد بود. این‌ها چیزهایی هستند که از بررسی‌ها و تجربیات جوامعی که دوره‌های نقض حقوق بشری را سپری کرده‌اند، به دست آمده است.

بایسته است تا تمام عواملی که احتمالاً به نقض حقوق بشر مربوط می‌باشد در نظر گرفته شود. در پروسه عدالت انتقالی موضوع عدالت انتقالی جنسیتی نیز در مرکز تطبیق و تأمین عدالت قرار بگیرد تا دانسته شود که مردان و زنان چگونه منازعات مسلحانه و نقض حقوق بشر را به طور متفاوت تجربه کرده‌اند. عدالت جنسیتی پروسه‌ای است که شامل تعقیب قضایی خشونت‌ها بر اساس جنسیت، جبران غرامت به گروه‌های مختلف زنان و خانواده‌هایشان، یادبودسازی از تجربیات تلخ نقض حقوق بشر علیه زنان و اصلاح نهادهای حکومتی می‌گردد. این روند، زنان را تشویق خواهد کرد که برای دسترسی به

عدالتی که مصونیت انسان‌ها را در برابر نقض حقوق بشری توسط انسان‌های دیگر تضمین می‌کند، تلاش کنند.

## عدالت انتقالی در قوانین بین‌المللی

به میزانی که مفهوم عدالت انتقالی گسترش یافته است و متنوع‌تر گردیده است، از جایگاه بهتری در قوانین بین‌المللی برخوردار شده است. بخشی از بنیاد حقوقی عدالت انتقالی در قوانین بین‌المللی به تصمیم دادگاه حقوق بشر بین‌المللی در باره ولاسکو یس رودریگز در سال ۱۹۸۸ در مقابل هندوراس، بر می‌گردد. این دادگاه چنین دریافت کرد که تمامی حکومت‌ها داری چهار تعهد اساسی در زمینه حقوق بشر می‌باشد. این تعهدات عبارت‌اند از:

- برداشتن قدم‌های معقول برای جلوگیری از نقض حقوق بشر.
  - انجام دادن تحقیقات جدی در مواردی که نقض حقوق بشری صورت می‌گیرد.
  - اعمال کردن تحریم‌های مناسب بر کسانی که مسئول نقض حقوق بشر هستند.
  - جبران کردن خسارات قربانیان نقض حقوق بشری.
- اصول مذکور در تصمیم بعدی توسط این دادگاه به تصویب رسید و سپس توسط دادگاه حقوق بشر اروپا و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد به امضاء رسید. ایجاد دادگاه بین‌المللی جزایی لاهه در سال ۱۹۹۸ نیز برای عدالت انتقالی خیلی اهمیت دارد. زیرا اساسنامه این دادگاه، دولت‌ها را متعهد می‌سازد تا علیه فرهنگ معافیت مبارزه کنند و حقوق قربانیان را پاس بدارند.

## دورنمای عدالت انتقالی

از آنجایی که عدالت انتقالی همواره با مشکلات و موانعی دست و پنجه نرم کرده است، همیشه برای تفوق و غلبه بر مشکلات، دست به ابتکارات جدیدی زده شده است. پس از این‌که خودکامگی‌ها در شیلی و آرژانتین پایان یافت، عدالت انتقالی برای مبارزه با تخطی‌هایی علیه بشریت در بوسنیا و هرزیگووینا، لیبیا و جمهوری دموکراتیک کانگو، جاهایی که صلح در خطر است، انتقال یافت. هم اکنون مشکل پاک‌سازی‌های قومی و بیجاشدگی، ملکی‌سازی و آشتی دادن طرف‌های جنگ، مصالحه میان اقشار مختلف جامعه و نقش عدالت در تأمین صلح، محورهای اصلی بحث در روند عدالت انتقالی به شمار می‌روند. آن دسته از فعالان عرصه حقوق بشر که در زمینه عدالت انتقالی فعالیت می‌کنند، در عین حال مکانیزم‌های محلی، منطقه‌ای یا سنتی عدالت را نیز از چشم دور نگه نمی‌دارند. به طور مثال ممکن است که در کشورهایی مانند سیرالیون و اوگاندا مردم بخواهند که برای تقویت مصالحه بین طرفین درگیر و آشتی دادن آنها از آیین‌های مذهبی و سنتی کار بگیرند. اما در این صورت تلاش می‌شود که از اصول اساسی عدالت انتقالی مراقبت صورت گیرد. یعنی ممکن است که از آیین‌های مذهبی و روش‌های سنتی برای عدالت انتقالی در مواردی خاص استفاده گردد، اما نباید این امکان وجود داشته باشد که این روش‌ها در تقابل با اصول عدالت انتقالی قرار گیرد و راه‌های رسیدن به عدالت را سد نماید.

سخن پایانی، برای رسیدگی به جرایم گسترده و ضدبشری در گذشته و تطبیق عدالت انتقالی فرمول واحدی وجود ندارد. تمامی رهیافت‌های عدالت انتقالی مبتنی بر یک باور بنیادی برای تأمین حقوق بشر در یک سطح جهانی می‌باشد. اما در نهایت، هر جامعه‌ای باید خود راهش را به سوی عدالت انتقالی انتخاب کند.

۱۳۸۸

**درباره مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی (ICTJ):** مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی نهادی است که در راستای تأمین عدالت انتقالی فعالیت می‌کند. این نهاد، کشورهایی را که می‌خواهند برای تأمین صلح دوامدار و تطبیق عدالت بالای جرایم ضدبشری گذشته فعالیت کنند، کمک می‌نماید. محل فعالیت این مرکز، جوامعی است که از حکومت‌های سرکوب‌گر و یا نزاع‌های مسلحانه رهایی یافته‌اند و یا این که در آن کشورها دموکراسی، تازه پایه‌گذاری شده است و هنوز با مشکلات باقی مانده از گذشته اعم از نقض وسیع عدالت و تخطی‌های سیستماتیک حقوق بشری دست و پنجه نرم می‌کنند. برای دریافت اطلاعات بیشتر در مورد این سازمان به آدرس [www.ictj.org](http://www.ictj.org) مراجعه نمایید.

**درباره دیده‌بان افغانستان:** دیده‌بان افغانستان یک نهاد مدنی افغانی است که دورنمای آن را رسیدن به یک جامعه دموکراتیک، امن، بردبار و برخوردار از عدالت که تمامی شهروندان بتوانند از فرصت‌های مساویانه برخوردار باشند، تشکیل می‌دهد. رسالت این نهاد، انجام فعالیت‌هایی می‌باشد که باعث بهبودی صلح، عدالت و فرهنگ هم‌دیگرپذیری و احترام گذاشتن به حقوق بشری در افغانستان می‌شود. تعهد قوی به دموکراسی، عدالت، حقوق بشر، انکشاف متوازن اجتماعی و اقتصادی کشور، بی‌طرفی، استقلال و تخصص به عنوان رهنمود فعالیت‌ها و ارزش‌های محوری سازمان می‌باشد. برای معلومات بیشتر در مورد دیده‌بان افغانستان به این وبسایت مراجعه کنید: [www.watchafghanistan.org](http://www.watchafghanistan.org)